

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، هشتم ماه می ۲۰۱۰

"شاه کوکو" ها و "کوکو دادا" های

مطبوعاتی

طنز

وقتی از "مطبوعات" سخن میگویم، هم مفهوم کلاسیکش را در نظر دارم، که محض شکل مکتوب و بصری داشت و هم شکل مدرن آن را، که علاوه از صوت و تصویر نیز کار میگیرد. پس "مطبوعات" درین نوشته مترتب است بر تمام وسائل ارتباط جمعی. سمعی و بصری و صوتی؛ از جرائد و روزنامه ها و مجلات گرفته، تا رادیو و تلویزیون و اینترنت.

خواننده ارجمند پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" حتماً مبهوتانه خواهد پرسید، که این چه نامهای "نوبرامد" ، "قالبی" و باصطلاح ایرانی "من درآوردی" است، که عنوان کردی؟؟؟ اجازه بدهید که این دو ترکیب را شرح دهم: – درین اواخر – و معلومدار در قدیم نیز – کسانی بوده اند و هستند، که یکرنگ میگویند و مینویسند، ولی گفتارشان به اصطلاح زیبایی عوام کابلی "او بُرِ مسکه تراش" است. مردم کابل که در طنزپردازی و طنزفهمی شهره آفاقند، اصطلاح "او بر مسکه تراش" را از روی تمسخر نثار "کارد کند" میکنند، که زورش فقط به "آب" و "مسکه" میرسد. یعنی که چنین کاردی فقط قدرت بریدن "آب" و تراشیدن "مسکه" را دارد و معلوم است، که "قوت بُرش" چنین کارد، در چه حد است!!!!!!

من آنانی را که گفتار "او بُر و مسکه تراش" دارند، "شاه کوکو" های مطبوعاتی میخوانم. اینان میگویند و بسیار پُر میگویند، اما از سخنانشان ذره ای بهره نمیتوان گرفت. حد اکثر گفته های "شاه کوکو" ها در حد "بنگس مگس" است، که فقط دل را ملول میکند، که کابلیان ارجمند همیشه گفته اند:

"مگس کار دگه نمیکند، فقط دله ملول میکنه"

(مگس کار دیگر نمیکند، فقط دل را ملول میکند)

در همینجا از زنان محترم و ارجمند هموطنم که لقب "شاه کوکو" را حمل میکنند، صمیمانه و با تضرع افغانی، معذرت میخواهم که اسم فخیم ایشان را درین ارتباط بکار برده ام.

– در طرف دیگر کسانی اند که بسیار میگویند و بسیار پُر میگویند، اما هرچه میگویند، از سنخ "اوسانه سرمنگسک" و "کاههای کهنه و بیدانه" است، که به "گفتن" و "باد کردن" نمی ارزند. اینان خوش دارند، بگویند و خود هم نمیدانند، که چه میگویند!!!! در اصطلاح عربی به چنین اشخاص کلمه "مکتار" (۱) را استعمال میکنند. اینان آنقدر پُرگوئی میکنند، که عنان سخن از پیششان گم شده، بهر سوی میدود، در حدی که حتی معکوس چیزی را که

میخواهند و میخواستند، میگویند. مثلاً چیزی را "عنوان" میکنند و بعد در خلال پرگوئیها، "نص معنون" را فراموش کرده، بر فرق آن پای مینهند و ضد و نقیضش را به کرسی مینشانند. اینان به مانند مادرکلانهای بزرگوار ما خوش دارند، که هرچه دلک تنگشان بخواهد بگویند؛ بعضاً سر سر خود هم میگویند، بدون اینکه کسی به گپشان گوش فرادهد.

من چنین اشخاص را "کوکودادا"های مطبوعاتی مینامم. مصاحبات چنین اشخاص را اخیراً در بعض سایتهای انترنتی نیز میگذارند. درینجا بازهم از تمام زنان عقیف و شریف وطنم که حامل لقب "کوکودادا" هستند، بخاطر چنین یک "اسانه دب"، در کمال خضوع پوزش میخوام.

"شاه کوکوها" و "کوکو داداها"ی مطبوعاتی در ارتباط عام و خاص قرار دارند، یعنی در حالی که "شاه کوکو"ها طیف وسیع و نسبتاً عام را در بر میگیرند، "کوکودادا"ها بیشتر به "رادبو" و "تلویزیون" تعلق دارند و فقط چشم و گوش شنونده و بیننده "مسکین" را مینوازند، و نوازش میدهند!!!!!! زور کس هم به ایشان نمیرسد و انتقاد هم جایی را نمیگیرد؛ فقط یک چاره باقی میماند و آن استمداد و کمک طلبیدن از درگاه رب قدیر و قادر علی الاطلاق است:

از درگاه ایزدی میخوام که "شاه کوکو"ها و "کوکودادا"های مطبوعاتی را براه، سم بسازد!!!!!!

در غیر آن،

"کلی و کُربت"شان بگرداند!!!!!!

توضیحات:

۱ - "مکثار" (به کسر حرف اول) که ظاهراً صبغت "اسم آله" عربی را دارد، عملاً در مفهوم "صیغه مبالغه" بکار می رود. نزدیکترین مُعادلی را که در زبان دری برایش سراغ داریم، کلمه "پرگوی" است.

۲ - "اوسانه سرمنگسک" (افسانه ...) اصطلاح کابلی و کنایه از "سخنان تکراری و بی محتوا"ست. وقتی طفل خرد بودیم و بزرگان میخواستند، آزار ما بدهند، میگفتند:

"بیائین که برایتان اوسانه بگوئیم"

میگفتیم: "خی بگو"

میگفتند: "خی بگو خی بگو ره یاد ندارم، اوسانه سرمنگسکه یاد دارم، بگویم؟"

میگفتیم: "هان بگو"

میگفتند: "هان بگو هان بگو ره یاد ندارم، اوسانه سرمنگسکه یاد دارم، بگویم؟"

با ادب بسیار میگفتیم: "بلی بگوئین"

میگفتند:

"بلی بگوئین بلی بگوئینه یاد ندارم، اوسانه سرمنگسکه یاد دارم، بگویم؟"

....

بدین ترتیب آن بزرگواران آنقدر آزار ما میدادند، که از "افسانه شنیدن" بیزار می شدیم و پس سر خود را خاریده، پشت کار خود میرفتیم.

حالا "شاه کوکو"ها و "کوکو دادا"های مطبوعاتی ما نیز عین افسانه و اوسانه را میگویند، منتها نه برای کودکان خردسال، بلکه برای انسانهای عاقل و بالغ و اولاددار و صاحب نواسه و کواسه!!!!!!

۳ - "کلی و کُربت" ("کلی" به کسر اول و "کُربت" به ضم اول و سوم) اصطلاح عامیانه کابلی و در معنای "گنگ" و "لال" و "ابکم" است. این ترکیب معمولاً در مقام نفرین بکار رود، چنانکه وقتی کسی بسیار بدزبانی بکند، از روی قهر و غضب برایش گویند:

"یک دغه کلی و کُربت شو!!!!"

(یک دفعه ...!!!!)

یا

"خوده کلی و کُربت کو!!!!"

(خود را "کلی و کُربت" کن!!!!)

یا

"خدا کلی و کُربت بسازیت!!!!"

(... بسازدت!!!!)